

زبان ناگفته‌ها در آثار استاد محمود جوادی پور

«عضو جاوید فرهنگستان هنر»

زنده یاد عبدالمجید حسینی راد

استاد محمود جوادی پور (۱۳۹۹-۱۳۹۱ش) در طول شصت سال فعالیت هنری خود، به تمام معنی نقاشی پُرکار بوده است. سال‌ها تلاش و تجربه‌گری در زمینه‌های مختلف هنر تجسمی: طراحی، نقاشی، گرافیک و تصویرسازی، اگرچه دلیل اصلی تنوع کارهای اوست، در عین حال نشانه فعالیت مردی است که با تمام توان در زندگی حرفه‌ای خود کوشیده است.

جوادی پور وارد دانشکده تازه‌تأسیس هنرهای زیبا شد؛ این دانشکده بر اساس الگوی پارسی‌اش، بوزار، شکل گرفته بود. در این دوران، از یک سو میراث مکتب کمال‌الملک و شاگردان او بر فضای هنری کشور مسلط بود و ذوق عام و خاص را تحت تأثیر خود قرار داده بود و از سوی دیگر تلاشی که از چند سال قبل با راه‌اندازی اداره صنایع قدیمه صورت گرفته بود، مسیری متفاوت و شاید متناقض با دیدگاه هنرمندان تعلیم‌گرفته در مدرسه کمال‌الملک را دامن می‌زد. این سال‌ها همچنین با تغییرات سیاسی داخلی و جایگزینی حکومت پهلوی دوم به جای رضاخان مصادف بود. از طرفی نیز با اولین سال‌های پس از دومین جنگ جهانی همزمان بود. اگرچه کشور ما به‌طور مستقیم در جنگ وارد نشد، تبعات سیاسی و اجتماعی آن دامن این سرزمین را گرفت. با این توصیف فضای فعالیت تجسمی در آن سال‌ها نه فقط بسیار محدود و کم‌تحرک به‌نظر می‌رسد، بلکه عدم حمایت از فعالیت هنرمندان، نبود نگارخانه برای نمایش آثار، و تناقضات موجود باعث می‌شد که هنرمندان جوان و پُرشور آن سال‌ها، مانند جوادی پور، همه تلاش خود را برای نشان دادن هنر و آنچه در دانشکده تازه‌تأسیس آموخته بودند، به کار گیرند. جوادی پور در چنین سال‌ها و اوضاعی فعالیت هنری خود را به‌طور حرفه‌ای شروع می‌کند. او پس از فراغت از تحصیل دانشکده در چاپخانه بانک ملی مشغول به کار می‌شود و اولین تجارب کارهای گرافیکی را در آنجا به دست می‌آورد. پس از آن در سال ۱۳۲۸ «کاشانه هنرهای زیبا» یا «گالری آپادانا» را بنیان می‌نهد. او و همراهانش در این کاشانه با برگزاری نمایشگاه‌هایی از آثار خود و دیگر فارغ‌التحصیلان دانشکده همچون اسفندیاری، ضیاءپور و جواد حمیدی، راه‌اندازی جلسات سخنرانی و بررسی مکاتب هنر مدرن و دامن‌زدن به نقد هنری سعی می‌کنند فضای متناسب با فعالیت نقاشی نوگرا را در تهران به وجود آورند. استاد سرانجام پس از گذراندن دوره‌های تکمیلی در آکادمی هنرهای زیبای مونیخ در سال ۱۳۳۲ به استخدام دانشکده هنرهای زیبا درمی‌آید. از آن پس فعالیت جوادی پور به‌عنوان یک هنرمند و مدرس دانشکده، به خلق آثار نقاشی منحصر نمی‌شود، بلکه بنا به نقشی که هنرمند تجسمی می‌تواند در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ایفا کند، به تولید آثاری متنوع می‌پردازد. او با تجاربی که از کار در چاپخانه بانک ملی اندوخته است، وارد فعالیت‌های هنر گرافیک می‌شود. طراحی تمبر، اوراق قرصه، نشان و اعلان و به‌ویژه تصویرسازی، فعالیت‌هایی است که جوادی پور را علاوه بر نقاشی نوگرای ایران، به‌عنوان پیش‌کسوتی در عرصه گرافیک معاصر ایران معرفی می‌کند.

آنچه بیش از همه در آثار استاد جوادی‌پور به‌عنوان یک هنرمند نقاش به چشم می‌خورد، مضامین، رنگ‌ها و حال‌وهوای فضاسازی نقاشی ایرانی است. اصولاً در آثار اکثر قریب‌به‌اتفاق هنرمندان هم‌نسل جوادی‌پور، یعنی اولین فارغ‌التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا که بسیاری از آنها (ضیاءپور، حمیدی، کاظمی و...) همچون استاد جوادی‌پور برای تکمیل آموخته‌ها و شناخت خود از هنر مدرن، چندسالی را نیز در مدارس هنر اروپایی گذراندند، عموماً به سنت‌های هنر ملی و بومی ایران توجه شده است. گرایش به سمت زبانی ایرانی و هویتی ملی در آثار جوادی‌پور و هم‌نسلانش، نشان از روحيات ملی، هویت‌جویی و دل‌سپردگی آنها به هنر و فرهنگ ایرانی دارد. تقریباً هیچ‌کدام از فارغ‌التحصیلان اولیه دانشکده هنرهای زیبا نه فقط یکسره هنر و سنت‌های فرهنگی ایرانی را به کنار نهند، بلکه تلاش کردند تا آنچه را از مدرنیسم آموخته بودند، با هنر بومی و اصیل ایرانی عجین کنند و به هنر خود رنگ‌وبویی ایرانی بدهند. آنها نه مایل به ادامه مسیری بودند که از کمال‌الملک و شاگردانش به جای مانده بود و نه می‌توانستند از حقیقت هنر بومی دلی بگیرند و از آنچه در هنر غرب رخ داده بود، مقلدانه پیروی کنند. این مسئله در رنگ‌پردازی، استفاده از نقوش و موضوعات کار این هنرمندان به‌خوبی خودنمایی می‌کند و در آثار جوادی‌پور بیش از هر کس دیگر از هم‌نسلانش جلوه دارد.

آثار تصویرسازی استاد جوادی‌پور هم از نظر فضاسازی و هم از لحاظ به‌کارگرفتن رنگ و خط به‌طور قابل توجهی ملهم از نقاشی قدیم ایرانی است. اگرچه او در بعضی از تصویرسازی‌ها از تکنیک گراور استفاده کرده، به‌خوبی توانسته آنها را با آنچه از هنر ایرانی به عاریت گرفته، پیوند دهد. در این قسم آثار، هم توفیق استاد را در استفاده از ویژگی‌های هنر بومی می‌توان دریافت و هم ظرفیت‌های نقاشی قدیم ایرانی را در همراه‌شدن با تصویرسازی جدید. به واقع ویژگی‌های نقاشی ایرانی در همراهی با فضاهای داستانی و ادبیات روایی و ترجمان آنها به زبان تصویری همواره می‌تواند الهام‌بخش هنرمندان باشد. فضاسازی ادبیات معاصر تفاوت‌هایی عمده با ادبیات کلاسیک فارسی دارد، اما کار هنرمندانه همیشه دشوار و خلاقانه است و بی‌شک آن کس توفیق می‌یابد که به‌رغم این تفاوت‌ها، بتواند رابطه‌های هنرمندانه را بیابد.

آثار نقاشی جوادی‌پور اما سیری شگفت‌انگیز دارد. او دوره‌های تجربی بسیاری را پشت سر گذاشته است و مگر نه اینکه هنر نوگرا تحولات و تنوع و خلاقیت را عموماً در تجربه‌گری آموخته و نشان داده است؟ بنابراین جوهره مشترکی که آثار نقاشی استاد را در طول شصت سال گذشته به یکدیگر مرتبط می‌سازد، تجربه‌گری و در عین حال تلاش برای حفظ موارث هنر ایرانی در رنگ‌پردازی، به‌کارگیری نقوش و فضاسازی است. این پختگی به‌ویژه در آثار مربوط به بیست سی سال گذشته به نقاشی او شخصیتی ممتاز بخشیده است. در طی این سال‌ها جوادی‌پور به آرامشی شورانگیز در منظره‌پردازی و بازآفرینی فضاهای مورد نظر خود دست یافته است. منظره چشمه علا که در کارهای گذشته او ریشه دارد، منظره‌ای به تمام معنی ایرانی است؛ با رنگ‌ها، پیکره‌ها، درخت‌ها و آسمان شبانه‌اش، و نوری که از سنت و زندگی نقاشی ایرانی در آن بازتابیده است. ترکیب‌بندی ساده ازدحام صمیمانه پیکره‌ها، گسترش نسبتاً عمودی فضا و نقش و نگارهایی که به مناسبت‌های مختلف در کار آمده، ما را به یاد منظره‌سازی‌های مکتب تبریز و شیراز در عهد صفوی می‌اندازد. منظره‌سازی‌های دیگر استاد و در این سال‌ها همچون سقف‌های سفالین، آفتاب روی تپه‌ها، کوه‌های خفته و جمع‌آوری خرمن همین آرامش پرشور

را بازنمایی کرده‌اند. گویی استاد در این آثار فراتر از زمان و مکان قرار گرفته و در آسمان و کوه و درخت و چشمه آب و خوشه‌های گندم و گل‌های آفتاب‌گردان سکوتی می‌بیند که گویاتر از هر کلامی است و این زبان سخنی دارد که همچون زندگی و هنر خود استاد در طی این سال‌ها از تابلوهایش شنیده می‌شود. در دیگر آثار جوادی‌پور در کنار این منظره‌سازی‌ها فضاهایی ایجاد شده است که از یک سو سرگرمی‌ها، شیرینی‌ها و غفلت‌های زندگی روزانه را در چهره آدم‌های آشنا و غریب، مشهور و گمنام، شهری و روستایی و... نشان می‌دهند (آن‌چنان که در بازار روستایی)؛ و از سوی دیگر رازهای معنوی این زندگی را با تشبیهاتی ساده برملا می‌کنند (آن‌چنان که در تابلوهایی که در آنها کوزه‌ها جای همه‌چیز را گرفته‌اند). گاهی اشیا آن‌قدر تکرار می‌شوند که جای همه‌چیز را می‌گیرند. آدمی را ترس موهوم فرامی‌گیرد، اما کوزه‌های جوادی‌پور نه فقط ایجاد وحشت نمی‌کنند، بلکه ما را به سؤال‌های همیشگی، به پاسخ‌های ناتمام، به سرزمین فلاسفه شرقی و به درون فضاهای اساطیری و افسانه‌ای دعوت می‌کنند.

منبع

حسینی‌راد، عبدالمجید، (۱۳۹۲)، *ویژه‌نامه بزرگداشت پیشکسوتان نقاشی ایران: محمود جوادی‌پور، احمد اسفندیاری، منصوره حسینی، تهران: فرهنگستان هنر، صص ۲۵-۲۷.*